

بررسی واج شناختی زبان ترکی (گونه کهنه اوغاز)

واژگان کلیدی

- * زبان
- * گونه
- * همگونی
- * تقویت
- * هماهنگی واکه‌ای

اکرم پرهیزگار * akramparhizkar. 1994@gmail.com

دانش آموخته کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی

دکتر عالیہ کرد زعفرانلو کامبوزیا

دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

زبان یک نظام است و هر نظام دارای عناصری است و اختلافات زبانی و گوناگونی آن در عناصر زبان بوده، هر زبانی علاوه بر همگانی‌های زبانی، قواعد ویژه خود را دارد. هدف از نگارش این مقاله بررسی واج شناختی زبان ترکی گونه کهنه اوغاز است که زبان یکی از روستاهای شیروان در خراسان شمالی است و گویشوران آن به زبان کردی و ترکی صحبت می‌کنند. داده‌های این مقاله طی یک مصاحبه با ۱۰ گویشور کهنه اوغازی که شامل پنج آقا و پنج خانم است، انجام شده است. آن‌ها در رده سنی ۶۰-۴۰ سال بوده‌اند. به دلیل این که منابع مکتوبی در رابطه با این گونه از ترکی یافت نشده است، تنها منبع دریافت اطلاعات، مصاحبه با گویشوران بوده است. سپس براساس الفبا آوانگاری بین‌المللی موجود در کتاب کت فورد (۱۹۸۸) آوانگاری شده و به روش توصیفی به تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. این تحقیق براساس چارچوب واج‌شناسی زایشی نگاشته شده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که فرایندهای واجی که در این گونه ترکی در مقایسه با زبان فارسی معیار استفاده شده است، شامل انواع همگونی^۱، تقویت^۲، و هماهنگی واکه‌ای^۳ می‌باشند.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۹/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۹/۱۳

^۱ Assimilation

^۲ Fortition

^۳ Vowel harmony

۱. مقدمه و بیان مساله

ترکی یکی از کهن‌ترین زبان‌هاست ولی همانند دیگر زبان‌ها از هجوم لغات بیگانه در امان نمانده‌است. هدف از تحقیق حاضر توصیف واج‌شناختی ترکی گونه کهنه‌اوغاز است. روستا کهنه‌اوغاز که قدمت آن به ۶۰۰ سال می‌رسد، در فاصله ۴۵ کیلومتری شمال شرقی شیروان قرار دارد که از شمال به کوه‌های گنه و کلاته بالی و از جنوب به کوه کیسمار و روستای چپانلو و از شرق به کوه کل داغ و کوه زو و از غرب به تازه‌اوغاز محدود می‌گردد. شیروان، دومین شهر بزرگ و مهم استان خراسان شمالی است. ساکنان این روستا از زبان ترکی و کردی استفاده می‌کنند اما بیشتر ساکنان را کردها تشکیل می‌دهند که با زبان کردی کرمانجی تکلم می‌کنند. هدف از این تحقیق بررسی واج‌شناسی زبان ترکی در این روستا است و همچنین در این تحقیق درصدد آن هستیم تا فرایندهایی که در همخوان و واکه‌های ترکی رخ می‌دهد را شناسایی کنیم.

داده‌های مورد نیاز جهت انجام این تحقیق به صورت میدانی از گفتار ۱۰ گویشوربومی جمع‌آوری شده‌است که پنج تا از گویشوران مرد و بقیه زن بوده‌اند. این گویشوران در محدوده سنی ۴۰-۶۰ سال قرار داشتند.

با توجه به اینکه هیچ منابع مکتوبی به طور خاص درباره‌ی این گونه از ترکی یافت نشده‌است، از اطلاعات که مربوط به ترکی‌های گونه‌های دیگر استفاده شده است. هدف آن بوده‌است که بتوان از شباهت‌های موجود استفاده کرد. این گونه ترکی تفاوت زیادی با ترکی گونه آذربایجان دارد، از این جهت که این گونه فاقد واکه‌های گرد پشین و غیرگرد پسین است و در اثر مهاجرت و مجاورت‌های طولانی با مناطق فارسی نشین به واج‌های فارسی نزدیک‌تر است.

۲. پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقات زیادی درباره زبان ترکی انجام گرفته‌است، اما تحقیق که خاص گونه کهنه‌اوغاز باشد را نگارنده یافت نکرده‌است. ولی با رجوع به منابع مکتوب دیگر که درباره گونه‌های دیگر ترکی هستند، استفاده شده‌است.

منصف، ماهرخ (۱۳۹۴) در تحقیق خود به توصیف و تحلیل نمونه‌هایی از فرایندهای واجی همگونی، درج و هماهنگی واکه‌ها در ترکی قشقایی پرداخته‌است. اطلاعات این تحقیق از طریق مصاحبه با ۶ گویشور بومی جمع‌آوری شده‌است. مهم‌ترین نتایج در این تحقیق ۱. در ترکی قشقایی برای جلوگیری از التقای واکه، از غلت [j] استفاده می‌شود. ۲. طی فرایند هماهنگی واکه‌ای، واکه پسوند جمع /lar/ و پسوند نهی /ma/ با واکه‌ی ستاک در مشخصه پسین همگون می‌شود. ۳. در این گونه زبانی همگونی در همخوان‌های هم‌محل تولید منجر به همگونی کامل و تشدید عارضی می‌شود.

قره آغاجلو، سعید (۱۳۸۸) نیز تحقیقی در ارتباط با اشتراکات و اختلافات زبان ترکی آذربایجانی و فارسی انجام داده‌است. در این تحقیق اختلافات و اشتراک‌های ساختاری دو زبان در سطوح، واج، هجا، واژک و واژه، گروه و ترکیب و نیز جمله تحلیل گردیده‌است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که ساختار هجا در ترکی آذربایجانی جایگاه ویژه‌ای دارد و قانون هماهنگی آواها بر این زبان حاکم است. ساختار واژه، گروه و ترکیب متفاوت با زبان فارسی است و ساختار جمله با فارسی یکسان است و حرف ربط در ترکی آذربایجانی وجود ندارد و برای پیوند جملات مرکب از وجوه مصدری، وصفی، قیدی و ... افعال استفاده می‌شود.

علائی، بهلول (۱۳۹۲) در تحقیق خود به بررسی فرآیند هماهنگی واکه‌ای در ترکی آذری مغان را از دیدگاه واج شناسی خودواحد و با تأکید بر نقد واحدهای تیره بررسی پرداخته‌است. از دیدگاه واج شناسی زایشی خطی، هماهنگی واکه‌ای حاصل همگونی‌های متوالی بین واکه‌هاست، درحالی‌که از دیدگاه خود واحد مشخصه‌های هماهنگی در لایه‌ای مستقل در زنجیره واجی قرار دارند و مادامی که واحد تیره ای مداخله نکند بر روی زنجیره به‌طور همزمان گسترش می‌یابند. بررسی و تحلیل داده‌های گردآوری شده از زبان ترکی آذری مغان (مشخصاً از شهر گرمی) نشان می‌دهد که فرآیند هماهنگی واکه‌ای با تکیه بر اصول کاتامبا (۲۳۸۳) به این صورت قابل توصیف است: الف) هماهنگی واکه‌ای در دو مشخصه ± [پسین] و ± [گرد] قابل مشاهده است ب) در حالی که مشخصه ± [پسین] بر روی تمام واکه‌های موجود در نظام واکه‌ای گونه مورد بحث عمل می‌کند، مشخصه ± [گرد] فقط بر روی واکه‌هایی عمل می‌کند که دارای مشخصه + [افراشته] باشند ج) واحدهایی که از گسترش مشخصه + [گرد] جلوگیری می‌کنند عبارتند از پسوندهایی که واکه صورت زیرساختی آنها از مشخصه + [افتاده] برخوردار است و

همخوان /z/ که در جایگاه غیر از تکواژ ریشه، واکه پیش از خود را - [پسین]، - [گرد] و + [افراشته] می‌کند. این همخوان به گونه ای عمل می‌کند که در عین ممانعت از هماهنگی، با تعریف‌های داده شده از واحد تیره سازگار نیست.

تحقیق در زبان ترکی به طور فراوان انجام شده است، اما تعداد اندکی از تحقیقات با موضع نگارنده اشتراکاتی داشته‌اند.

۳. چارچوب نظری

این تحقیق براساس چارچوب نظری واج شناسی زایشی دایر شده است. واج شناسی زایشی یا واج شناسی معیار با انتشار اثر معروف چامسکی و هاله به نام *انگاره آوایی زبان انگلیسی* (*The Sound Pattern of English*) با نشانه اختصاری *SPE* نظریه‌ای جامع را مطرح کرد که تا آن زمان به صورت‌های مختلف بیان شده بود اما نه در قالب یک نظریه علمی. این کتاب در تمامی محافل واج‌شناسی نقطه عطف بررسی نظام آوایی شناخته شد. توصیف‌های روشن و مشخص این نظریه، طرفداران بسیار و شنوندگان بیشتری یافت و در محافل نقد و بررسی رونق بیشتری گرفت. بدین ترتیب آثار زیادی در زمینه زبان شناسی زایشی انتشار یافت.

نکته شاخص در انگاره *SPE* جنبه ریاضی گونه عملیات آن است. نظریه واج‌شناسی در این انگاره به توصیف‌های واج‌شناسی و صورت‌بندی‌های صریح توجه دارد به طوری که بتوان در یک نظام کاملاً نمادین ساخت‌های آوایی را با صورت‌های مکانیکی توصیف کرد. اگرچه چامسکی و هاله به این هدف دست نیافتند اما راهی برای رسیدن به آن باز کردند. باین حال، قراردادی بودن و ریاضی گونه بودن بیش از حد قواعد به کار رفته در این انگاره موجب شد تا *SPE* با تناقضاتی روبه رو و برای رفع این نقایص، نظریه نشاننداری پیشنهاد شد. این نظریه اگرچه موثر افتاد، برطرف کننده کامل نقایص نبود. با ورود نظریه نشاننداری در واج‌شناسی زایشی این امکان فراهم شد که نه تنها مفهوم طبیعی بودن اوها و دستگاه‌ها صورت بندی شود، بلکه طبیعی بودن قواعد واجی به صورت قاعده ارائه گردد (هایمن، ۱۲۶۸، ص ۲۳۷). مقادیر بی‌نشان اولین مقادیری هستند که در یک زبان آشکار می‌شوند و آخرین مقادیری که در آن زبان ناپدید می‌شوند. (کنستویچ، ۱۹۹۴، ص ۶۲).

در دستور زایشی، حوزه واج‌شناسی، همواره حوزه ای تعبیری تلقی شده‌است. به عبارت دیگر، بخش زایایی نحو تحت تاثیر دو حوزه نظام معنایی و آوایی قرار گرفته و بازنمایی‌های معنایی و آوایی در روساخت پدید می‌آیند.

هدف دستور زایشی فراهم کردن ساده‌ترین دستور ممکن برای زبان است. سادگی در واج‌شناسی از طریق تعداد نشانه‌هایی که برای بازنمایی زیرساختی مورد نیاز است همچنین قواعدی که آن‌ها را به بازنمایی‌هایی واجی ارتباط می‌دهد اندازه‌گیری می‌شود. «انگاره آوایی زبان انگلیسی» (SPE) یک نظریه خطی است، زیرا بازنمایی‌های آن یک توالی خطی از واحدهای واجی و مرزها هستند. در این انگاره ادعا می‌شود که کار واج‌شناسی تفسیر ساخت سطح نحوی به صورت واجی است و این گونه میان واج‌شناسی و نحو ارتباط برقرار کرده‌است. این ساخت سطح نحوی از جهات گوناگون «انتزاعی» به شمار می‌رود. اولاً، گره‌های پایانی آن به صورت ساخت سازه ای سلسله مراتبی ساماندهی شده‌اند به طوری که می‌توانند اشتقاق واجی را تحت تاثیر قرار دهند. ثانیاً، بازنمای‌های زیرین تکواژها تا آن حد انتزاعی محسوب می‌شود که از شکل واجی آن متفاوت باشد. یادآوری می‌شود که واج‌شناسی زایشی پیرو نظریه «شرط طبیعی بودن» پستال (Postal) (۱۹۶۸) است. در این نظریه بازنمایی‌های زیرین به صورت مشخصه‌هایی که برای بانمایی واجی به کار می‌رود، ارائه می‌شود (کامبوزیا، ۱۳۹۳، ص ۱۳).

۴. روش پژوهش

این تحقیق با استفاده از روش توصیفی از طریق ۱۰ گویشور بومی (زن و مرد) در رده سنی ۴۰ تا ۶۰ سال به دست آمده‌است. تحقیق توصیفی که گاهی به عنوان تحقیق غیرتجربی از آن یاد می‌شود، شامل وقایع و یا رخدادی است که در یک پدیده مثلاً زبان اتفاق افتاده و اکنون وجود دارد. برخلاف تحقیق از نوع تجربی، محقق در اجرای طرح تحقیق توصیفی، در متغیرها دخالت نمی‌کند. چالش موجود در تعریف مسئله در روش‌های توصیفی این است که پیشاپیش باید روشن شود که به چه اطلاعاتی برای توصیف نیاز است (اندرسون و آرسنال: ۲۰۰۰). هدف از تحقیق حاضر این است که به توصیفی عینی از آواها، واج‌ها، واج آرایی و قواعد حاکم بر آن پردازد. همچنین نوع اطلاعات در این تحقیق کیفی است. زیرا با کمک متون گفتاری

استدلال‌های عقلی، قیاس و استقرار، ویژگی‌ها و صفات مورد تحقیق توصیف و تفسیر و تبیین شده‌است.

۵. ارائه و تحلیل داده‌ها

۵-۱. جدول همخوان و واکه‌های ترکی گونه کهنه اوغاز

یکی از دستاوردهای این تحقیق به دست آوردن جدول همخوان‌ها و واکه‌های ترکی گونه کهنه‌اوغاز می‌باشد. با توجه به اطلاعات به دست آمده، این گونه از ترکی با دیگر گونه‌های ترکی که در آذربایجان استفاده می‌شوند، متفاوت است. یکی از علت‌های تمایز را می‌توان عدم وجود واکه‌های گرد پیشین و غیر گرد پسین در این گونه ترکی دانست. ترکی گونه کهنه اوغاز ازین لحاظ با ترکی گونه قشقایی مشابه است.

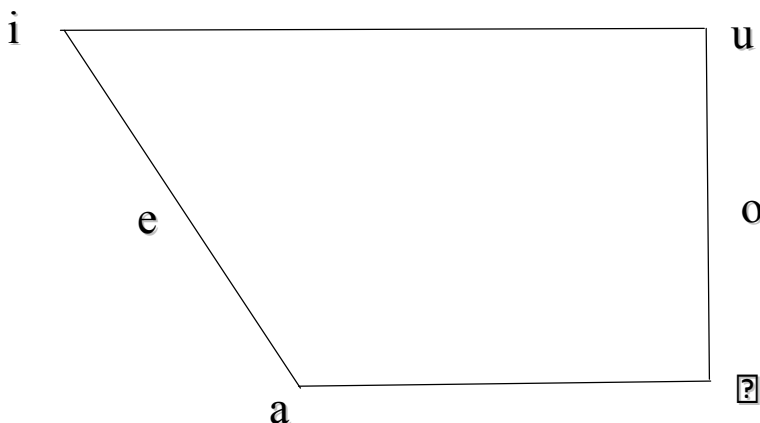
با توجه به مطالب بیان شده، این گونه ترکی دارای ۲۳ همخوان و ۶ واکه است.

جدول شماره ۱: همخوان‌های ترکی گونه کهنه اوغاز (خراسان شمالی، شیروان)

(حاصل این تحقیق)

چاکنایی	ملازی	نرم کامی	کامی	لثوی کامی	لثوی	جایگاه	تولید	لب و دندان	دولبی	شیوه‌ی تولید
?	G		c ç				t d		p b	انسدادی
					n				m	خیشومی
h	x			ʃ ʒ	s z			f v		سایشی
				tʃ dʒ						انسایشی
					r					تکریری
			j							غلت
							l			کناری

شکل شماره ۱: نمودار واکه‌های ترکی گونه کهنه اوغاز

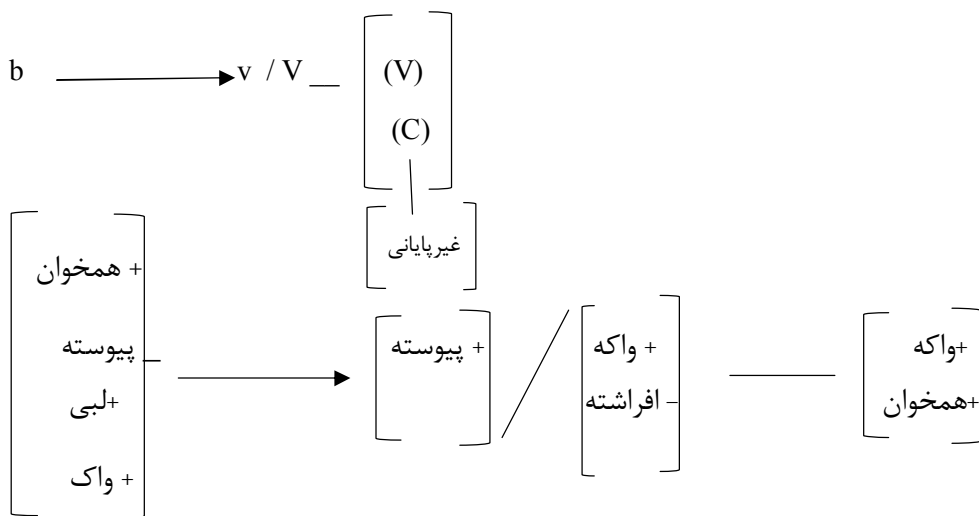


۵-۲. فرآیند تضعیف و تقویت

کنستویچ (۱۹۹۴: ۳۵) تغییرات آوایی را از جهت بست انسدادی به سایشی و از سایشی به ناسوده، تضعیف می‌نامد. وی معتقد است بافتی که در آن، انسدادی‌ها بعد از واکه‌ها واقع می‌شوند، مطلوب‌ترین محیط برای تبدیل انسدادی به سایشی است که به سایشی شدگی معروف است. در همین راستا، کریستال (۲۰۰۳: ۱۸۷) نیز آوهای واک‌دار را ضعیف، و آوهای بی‌واک را که با صرف انرژی مضاعف تولید می‌شوند، قوی قلمداد کرده و تبدیل آوهای بی‌واک را تحت عنوان فرآیند تقویت و عکس این حالت را تضعیف به حساب آورده‌است. در این بخش به نمونه‌هایی از فرآیند تضعیف را در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز خواهیم پرداخت.

جدول شماره ۲: نمونه‌های تضعیف در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز

فارسی معیار	واج نویسی فارسی معیار	واج نویسی گویش ترکی شبروان
قبر	Gabr	Gavr
سبز	sabz	Savz
آبی	□□bi	□□vi
تبر	tabar	Tavar
نبات	nab□t	Navat
سبزی	sabzi	Savzi
کفش	caf□	ceve□



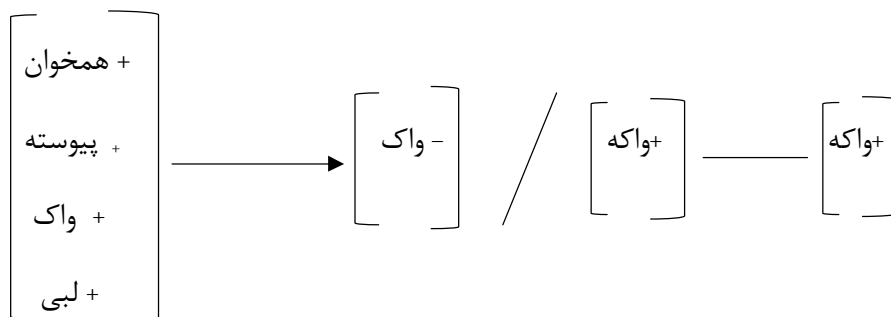
همانطور که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌کنید در این نمونه‌ها با تبدیل همخوان انسدادی /b/ به همخوان سایشی /v/، به این معنا که بست تولیدی آن بازتر شده‌است، با فرایند تضعیف مواجه می‌شویم. همچنین در مورد آخر نیز یک همخوان بی واک به جفت واک دار خود تبدیل شده‌است.

در این بخش به نمونه ای از فرآیند تقویت را در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز معرفی می‌شود:

جدول شماره (۳): نمونه ای از فرآیند تقویت را در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز

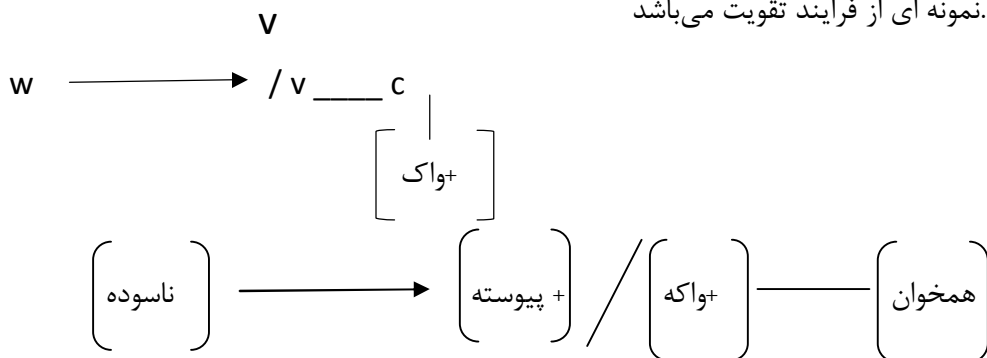
واج نویسی فارسی معیار	واج نویسی گویش ترکی شیروان
div□r	def□l
howz	hovz
howle	hovle

v → f / (V) _ (V)



در مثال اول جدول شماره (۳) همخوان واکدار، در محیط قبل از واکه واک رفته می‌شود. که

نمونه ای از فرآیند تقویت می‌باشد.



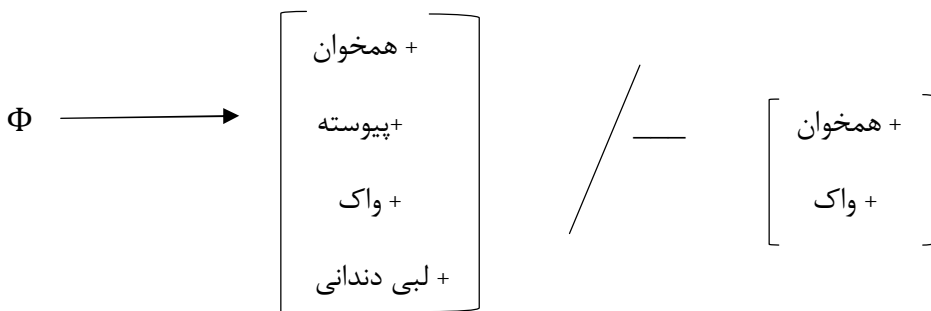
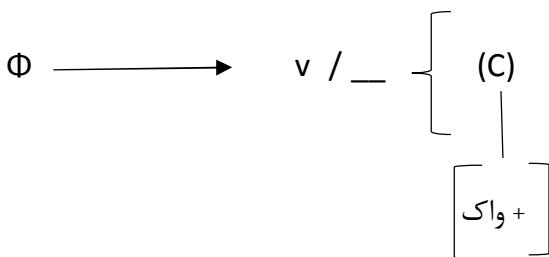
در دو مثال پایانی جدول شماره (۳)، بست تولیدی غلت ناسوده، در محیط بین واکه و همخوان واکدار تغییر می‌کند و به سایشی تبدیل می‌شود.

۵-۳. فرآیند درج

در فرایند درج یک همخوان بین دو واکه درج می‌شود تا مانع از التقا واکه‌ها شود یا یک واکه بین دو همخوان درج می‌شود تا خوشه همخوانی را بشکند. از آنجا که این عناصر در مرز میان دو هجا یا دو تکواژ و گاهی بین دو کلمه آشکار می‌شوند، به واحدهای بزرگ تر از واج تعلق دارند و از این رو در زمره‌ی نواها به شمار می‌روند. کامبوزیا (۱۳۸۵:۲۷۴)

جدول شماره (۴): نمونه‌ای از فرایند درج در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز

فارسی معیار	واج نویسی فارسی معیار	واج نویسی گویش ترکی شیروان
کفش	caf□	ceve□



با توجه به جدول شماره (۴)، شاهد درج واکه، بین دو همخوان واکدار در زبان ترکی گونه کهنه‌اوغاز هستیم.

۵-۴. حذف هجای یکسان

حذف یک هجای یکسان به دلیل وجود هجای دیگر. در زبان ترکی گونه کهنه‌اوغاز، زمانی که فعل‌های زمان حال ساده و حال استمراری را بخواهیم منفی سازیم، شناسه زمان حذف می‌شود به عبارت دیگر می‌توانیم نتیجه بگیریم که شناسه زمان حال و وند منفی‌ساز در توزیع تکمیلی هم هستند و هر دو در بافت نمی‌توانند استفاده شوند. برای مثال به جدول شماره (۵) مراجعه شود.

جدول شماره (۵): نمونه‌هایی از حذف هجای یکسان در زبان ترکی گونه کهنه‌اوغاز

فارسی معیار	صورت واجی مثبت	صورت واجی منفی	صورت آوایی منفی
نپوشیدم	□i + de + m	□i + ma + m	□imam
نپوشید	□i + de	□i + ma	□ima
ننوشتم	j□z + de + m	j□z + ma + m	j□zmam
ننوشت	j□z + de	j□z + ma	j□zma
نخواهید	j□t + de	j□t + ma	j□tma
نیخت	be□er + de	be□er + ma	be□erma

فعل زمان حال ساده: ستاک + شناسه زمان + شناسه شخص

ma/ —————> de در زمان حال ساده منفی

جدول شماره (۶): نمونه‌هایی از حذف هجای یکسان در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز

فارسی معیار	واج نویسی مثبت	واج نویسی منفی	آوانویسی منفی
نمی‌نویسم	j□z + a + ma	j□z + ma + ma	j□zmema
نمی‌پزم	be□er + a + ma	be□er + ma + ma	be□ermema
نمی‌پوشم	□i + j + a + ma	□i + j + ma + ma	□ijmema
نمی‌خوابم	j□t + a + ma	j□t + ma + ma	j□tmema

فعل زمان حال استمراری : ستاک + شناسه زمان + شناسه شخص

ma / → در زمان حال استمراری منفی

۵-۵. همگونی

یکی از متداول‌ترین انواع فرآیندهای واجی در زبان فرآیند همگونی است. همگونی دو واحد واجی زمانی رخ می‌دهد که یکی از این واحدهای واجی یک یا چند مشخصه‌ی خود را از واحد واجی مجاور دریافت کند. (آدن، ۲۰۰۵: ۲۲۸)

کامبوزیا (۱۳۸۵: ۱۶۸ - ۱۷۱) فرآیند همگونی را به لحاظ پیوستگی به همگونی پیوسته و ناپیوسته، از لحاظ جهت به همگونی پیش‌رو، پس‌رو و دوسویه و از حیث درجه شباهت به همگونی جزئی و کلی تقسیم بندی می‌کند و فرآیندهای همگونی را به چهار گروه الف) همخوان با همخوان، ب) واکه با همخوان، ج) واکه با واکه یا هماهنگی واکه ای و د) همخوان با واکه تقسیم می‌کند.

در ادامه انواع همگونی در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز می‌پردازیم.

الف) همگونی همخوان با همخوان

۱) همگونی /d/ با [n] و [m]

در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز حرف اضافه / از / به صورت [-dan] به آخر اسم اضافه می‌شود، در صورتی که اسم ما با یک همخوان خیشومی تمام شود در آن صورت همخوان /d/ که

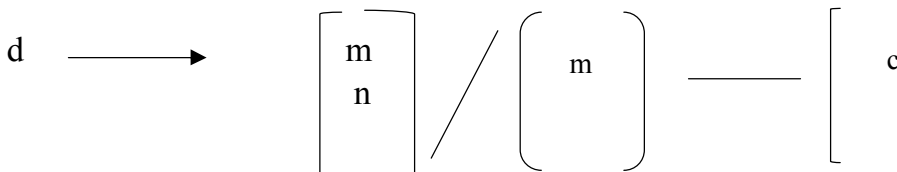
برخی از خصوصیات همخوان خیشومی /n/ را دارد، به آن تبدیل می‌شود. این فرآیند در زبان ترکی قشقایی (منصف، ۱۳۹۴) و زنجان (رنگین کمان، ۱۳۸۸) نیز به همین شکل می‌باشد. در ادامه به نمونه‌هایی از فرآیند همگونی کلی می‌پردازیم:

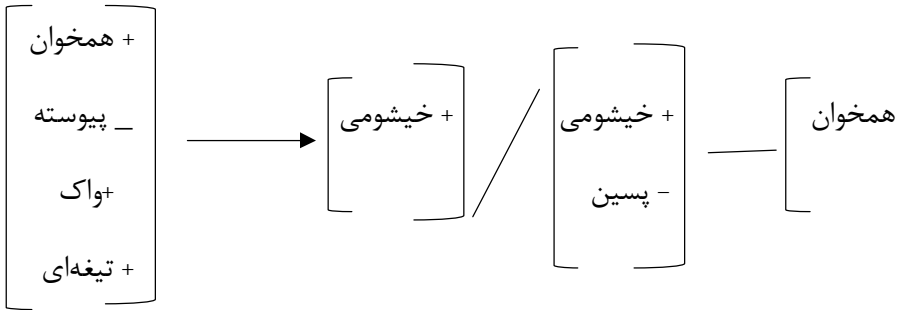
جدول شماره (۷): نمونه‌هایی از همگونی کامل در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز

فارسی معیار	صورت واجی	صورت آوایی
از خون	G□n + dan	G□nnan
از کاروان	c□rv□n + dan	c□rv□nnan
از دامن	d□m□n + dan	d□m□nnan
از آرد	un + dan	unnan
از سوهان	so□□n + dan	so□annan
از ظهر	pe□en + dan	pe□ennan
از تو	San + dan	sannan

جدول شماره (۸): نمونه‌هایی از همگونی جزئی در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز

فارسی معیار	صورت واجی	صورت آوایی
از کی	cem + dan	cemnan
از شب	□□G□am + dan	□□G□amnan





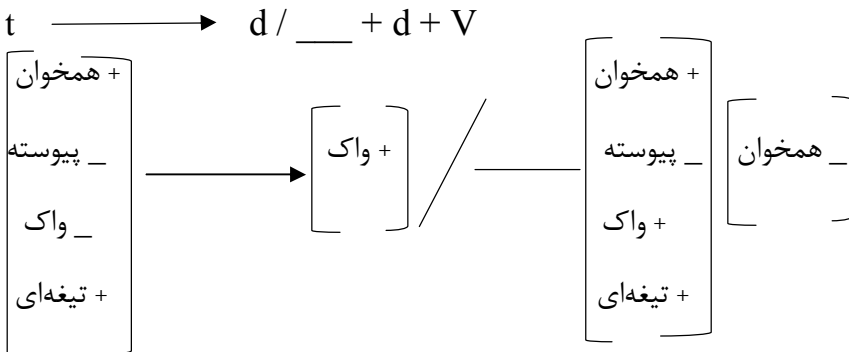
۲) همگونی [t] با [d]

هرگاه همخوان انسدادی و بی واک [t] در مرز تکواژ پیش از همخوان انسدادی واک دار [d] قرار گیرد، همخوان [t] در مشخصه واک با همخوان [d] همگون می‌شود. این همگونی از نوع پسرو می‌باشد.

جدول شماره (۹): نمونه‌هایی از همگونی پسرو در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز

فارسی معیار	صورت واجی	صورت آوایی
فروخت	s□t + d + e	s□dde
رفت	□et + d + e	□edde
گرفت	tet + d + e	tedde
خواید	j□t + d + e	j□dde

ساختار فعل سوم شخص زمان گذشته ساده: ستاک حال + پسوند گذشته ساز + شناسه سوم شخص مفرد



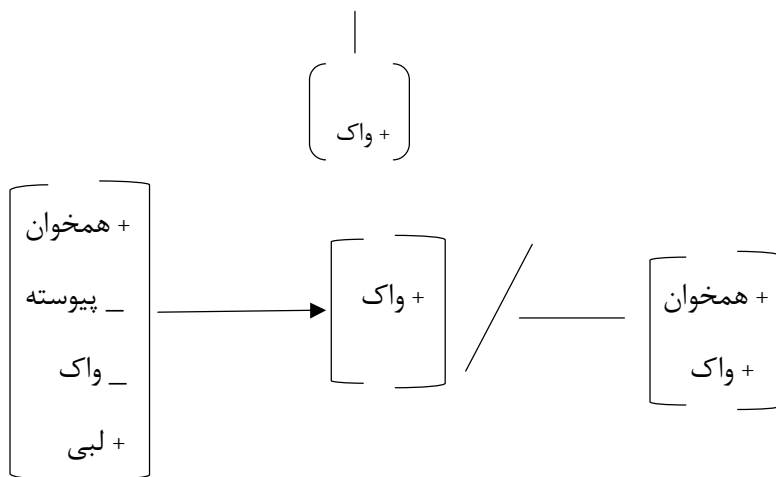
۳) همگونی /P/ به [b]

همخوان انسدادی دولبی و بی واک /p/ به همخوان دولبی واکدار [b] تبدیل می‌شود، در صورتی که در مرز تکواژ پیش از یک همخوان واک دار قرار گیرد.

جدول شماره (۱۰): نمونه ای از همگونی ناقص در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز

فارسی معیار	صورت واجی	صورت آوایی
توپ‌ها	top + lar	toblar
از سوپ	sup + dan	subdan

p → b / ___ c



ب) همگونی واکه با همخوان

وضعیتی که هیچ همخوانی مابین واکه‌ها یا به بیانی فنی تر، هسته‌های دو هجای مجاور وجود نداشته باشد «التقای واکه‌ها» نامیده می‌شود. «التقای واکه‌ها» هنگامی روی می‌دهد که در دو هجای مجاور هجای سمت چپ فاقد پایانه و هجای سمت راست فاقد آغاز باشد. مانند ساخت هجایی CV.VC. «التقای واکه‌ها در بسیاری از زبان‌ها مجاز نیست و با بهره‌گیری از

این پنج راهکار برطرف می‌شود: درج همخوان میانجی، حذف یکی از واکه‌ها، ادغام دو واکه^۱، تشکیل غلت^۲ و سرانجام تبدیل دو واکه به یک واکه مرکب. (جم، ۱۳۹۵). در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز پسوند منفی ساز به صورت [-ma] استفاده می‌شود. پسوند منفی ساز قبل از شناسه شخص قرار می‌گیرد، در صورتی که شناسه شخص با واکه شروع شود در این صورت التقا واکه رخ می‌دهد. پس برای جلوگیری از التقا واکه، واکه اول به غلت تبدیل می‌شود. در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز شناسه دوم شخص جمع به صورت [i] می‌باشد. زمانی که یک فعل گذشته ساده دوم شخص جمع، منفی شود دو واکه درکنار هم قرار می‌گیرند بنابراین فرایند غلت شدگی اتفاق می‌افتد.

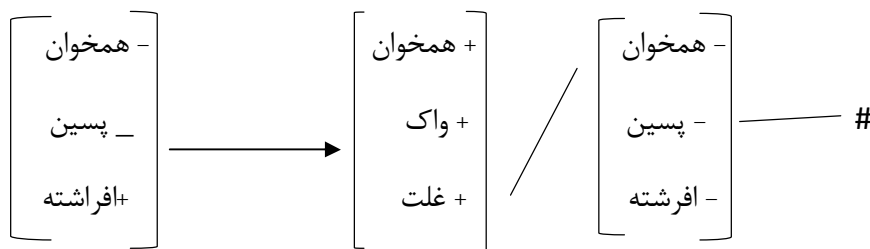
جدول شماره (۱۱): نمونه‌هایی از همگونی واکه با همخوان در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز

فارسی معیار	صورت واجی	صورت آوایی
نرفتیم	□ed + ma + i	□edmaj
نفروختیم	sad + ma + i	sadmaj
نیامدیم	□al + ma + i	□almaj
سوار نشدیم	min + ma + i	minmaj
نشکستیم	sender + ma + i	sendermaj
ندیدیم	□er + ma + i	□ermaj
نپوشیدیم	□i + ma + i	□imay
ننوشتیم	jaz + ma + i	jazmay
نپختیم	be□er + ma + i	be□ermay
نخواستیم	j□t + ma + i	j□tmay

i → j / V ___ #

¹ Coalescence

² Glide formation



ساختار فعل: ستاک + وند منفی ساز + شناسه شخص

فرآیند غلت شدگی فقط مختص منفی کردن نیست، بلکه زمانی که ستاک فعل با واکه به پایان برسد و بخواهیم به آن شناسه شخص را که با واکه شروع می‌شود اضافه کنیم در آن صورت التقا واکه رخ می‌دهد و این امر باعث می‌شود که واکه دوم به غلت تبدیل شود. مثلاً ستاک بعضی از فعل‌های گویش ترکی شیروان به واکه ختم می‌شود مثل /ye/ به معنای خوردن. زمانی که بخواهیم به آن شناسه دوم شخص جمع یعنی /i/ را اضافه کنیم، التقا واکه رخ می‌دهد. برای جلوگیری از آن کافی است واکه دوم را به غلت /j/ تبدیل کنیم.

جدول شماره (۱۲): نمونه‌هایی از فرآیند غلت شدگی در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز

فارسی معیار	صورت واجی	صورت آوایی
خوردیم	je + i	jej
پریدیم	xezla + i	xezlaj
بخشیدیم	b□G□□la + i	b□G□□laj

ساختار فعل: ستاک + شناسه شخص

(ج) همگونی واکه با واکه

همگونی فاصله دار بین واکه‌های هجاهای موجود در یک واژه در بعضی مشخصه‌های واجی «هماهنگی واکه‌ای» نامیده می‌شود (بشیر جم، ۱۳۹۵: ۷۸). زمانی که واکه پسوند باعث تغییر در خصوصیات واکه قبل خود را شود، همگونی پسرو رخ می‌دهد. در زبان ترکی گونه

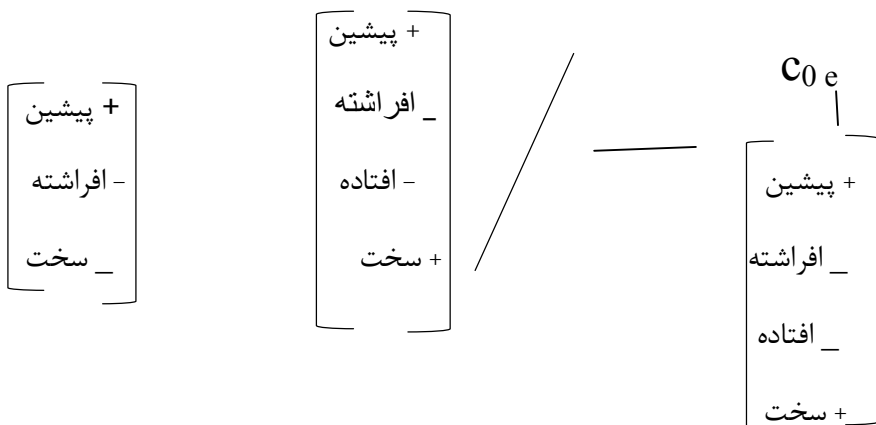
کهنه اوغاز برای منفی کردن از وند [-ma] استفاده می‌شود. اگر بخواهیم فعل زمان حال استمراری را منفی کنیم باید به آن وند [-mez] اضافه کنیم. به دلیل اینکه آخرین وند واکه [] - افراشته [] است، واکه قبل را تحت تاثیر قرار می‌دهد و باعث می‌شود واکه [a] خصوصیت افراستگی خود را از دست بدهد و با [e] همگون شود.

جدول شماره (۱۳): نمونه‌هایی از همگونی واکه با واکه در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز

فارسی معیار	صورت واجی	صورت آوایی
نمی‌رویم	□et + ma + mez	□etmemez
نمی‌خوریم	ye + ma + mez	yememez
نمی‌پوشیم	□i + ma + mez	□imemez
نمی‌نویسیم	j□z + ma + mez	j□zmemez
نمی‌سازیم	s□t + ma + mez	s□tmemez
نمی‌خواهیم	j□t + ma + mez	j□tmemez
نمی‌پزیم	be□er + ma + mez	be□ermemez

ساختار فعل منفی استمراری: ستاک + وند منفی ساز + شناسه زمان

a → e / ___C₀e



۵-۵. فرآیندهای واکه ای:

پیش آمدگی: فرایند «پیش آمدگی» شامل «پیش آمدگی واکه» و «پیش آمدگی همخوان» است: ۱- پیش آمدگی واکه: جلو آمدن یک واکه‌ی غیرپیشین و تبدیل آن به یک واکه‌ی پیشین یا پیشین تر «پیش آمدگی واکه» نامیده می‌شود. این فرایند شامل یکی از موارد زیر است: پسین به میانی _ پسین به پیشین _ میانی به پیشین

۲- پیش آمدگی همخوان: تبدیل یک همخوان به همخوان دیگری که محل تولید آن در دهان جلوتر است «پیش آمدگی همخوان» نامیده می‌شود. این فرایند ممکن است تحت تاثیر واکه‌ی بعدی که {- پسین} است، یا همخوان بعدی که محل تولید آن جلوتر است روی دهد. فرایندهای لبی-دندانی شدگی^۱، پیش آمدگی کامی^۲، پیش آمدگی^۳ th، پیش آمدگی نرمکامی^۴ و کامی شدگی^۵ نمونه‌هایی از پیش آمدگی همخوان هستند. (جم، ۱۳۹۵ ص ۵۸). در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز پیشین شدگی واکه در مرز هجا و یا تکواژ وجود دارد.

جدول شماره (۱۴): نمونه هایی از پیشین شدگی واکه‌ها در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز

فارسی معیار	واج نویسی فارسی معیار	واج نویسی ترکی شیروان
ترازو	tar□zu	tar□ze
زردآلو	zard□lu	zardale
آلبالو	□□lb□lu	□□albale
قوری	Guri	Gere
کوچه	cu□e	ce□a
کوزه	cuze	ceza

¹ Labio-dentalization

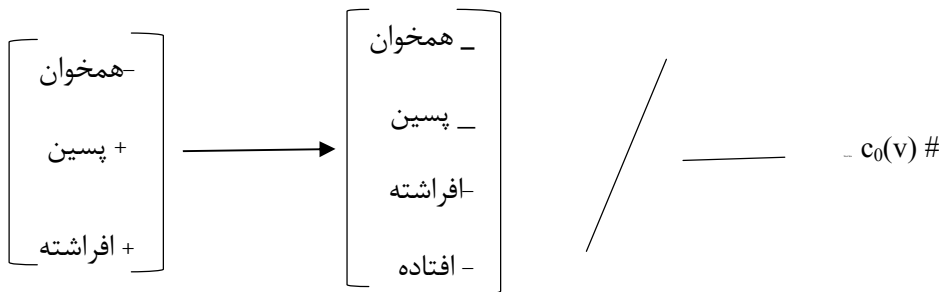
² Palatal fronting

³ Th-fronting

⁴ Velar fronting

⁵ Palatalization

u → e / ___ c₀(v) #



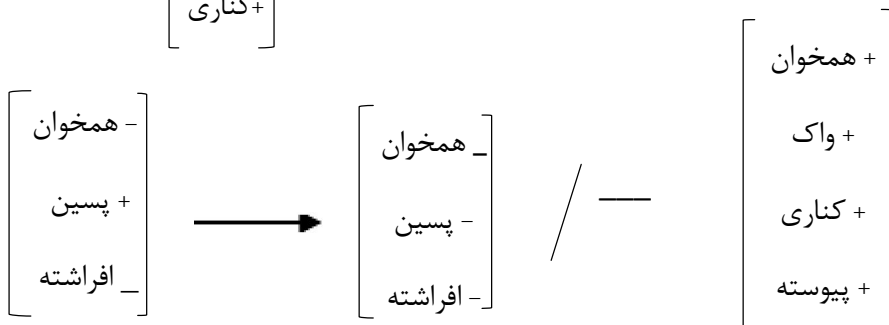
با توجه به اطلاعات جدول (۱۴)، واکه پسین /u/ به واکه پیشین /e/ تبدیل شده است.

جدول شماره (۱۵): نمونه‌هایی از همگونی واکه‌ها در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز

واج نویسی فارسی معیار	واج نویسی ترکی شیروان	فارسی معیار
colan□	celan□	کلنگ
□ol	□el	گل
xorm□	xerm□	خرما

o → e / ___ C

|
[+کناری]



با توجه به فرایندهای واژه‌های جدول (۱۵)، میتوان نتیجه گرفت که در زبان ترکی گونه کهنه آغاز واکه‌های پسین در محیط بین دو همخوان، به طوری که همخوان دوم کناری باشد، به واکه پیشین تبدیل می‌شود.

با توجه به داده‌های جدول (۱۶)، دو قاعده اعمال می‌شود: (۱) قاعده پیشین شدگی: به طوری که واکه‌ی پایانی پیشین می‌شود.

(۲) قاعده هماهنگی واکه‌ای: بین واکه‌های غیر پایانی با واکه‌های پایانی هماهنگی ایجاد می‌شود.

جدول شماره (۱۶): نمونه‌های از فرایندهای پیشین شدگی و هماهنگی واکه‌ای در زبان ترکی گونه کهنه آغاز

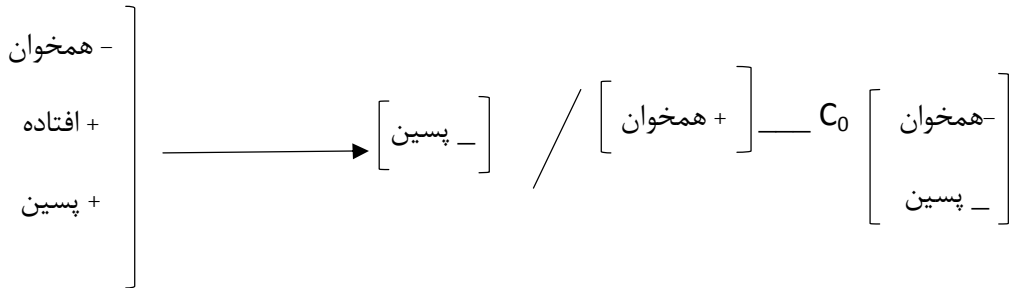
فارسی معیار	واج نویسی فارسی معیار	واج نویسی ترکی شیروان
پاشنه	p□□ne	pa□na
ترازو	tar□zu	taraze
قالی	G□li	Gale
خاله	x□le	xale
کاروان	c□rv□n	carv□n
خرما	xorm□	xerma
زردآلو	zard□□lu	zard□ale

$$V \longrightarrow V / _ \#$$

[پیشین⁺] [پسین⁻]

$$[?] \longrightarrow \begin{bmatrix} e \\ a \end{bmatrix} / c _ c_0 V$$

[پسین⁺]
[پسین⁻]



جدول شماره (۱۷): نمونه‌هایی از هماهنگی واکه‌ای در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز

فارسی معیار	واج نویسی فارسی معیار	واج نویسی ترکی شیروان
قالی	G□li	Gale
صندلی	sandal	sandale
قوری	Guri	Gere
قیچی	Gej□i	Gaj□e
آبی	□□bi	□□ve
نارنجی	n□ren□i	n□ren□e

i → e / ___ #

V → V / ___ C₀ V #

جدول شماره (۱۸): نمونه‌هایی از هماهنگی واکه‌ای در زبان ترکی گونه کهنه اوغاز

فارسی معیار	واج نویسی فارسی معیار	واج نویسی ترکی شیروان
تسمه	tasme	t□sma
حوله	hole	hovla
سفره	sofre	serfa
کهنه	cohne	cena
کوزه	cuze	ceza
تخته	taxte	taxta
کوچه	cu□e	ce□a
پاشنه	pa□ne	pa□na
تیشه	ti□e	ti□a
طویله	tavile	tavla

e → a / _____ #

در پایان واژه واکه نیمه افتاده به واکه افتاده تبدیل می‌شود.

۶. نتیجه گیری

در این مقاله فرایندهای واجی همگونی و هماهنگی واکه‌ای در ترکی کهنه اوغاز تحلیل و تبیین شد. بررسی این فرایندها نشان می‌دهد که این دو فرایند از سایر فرایندها فعالترند. البته فرایندهای دیگری نیز دارند ولی بسامد کمتری دارند. این تمایل را میتوان با اصل کم کوشی

و سهولت در تلفظ تعبیر کرد. بررسی و تحلیل فرایندهای واجی در این گونه‌ی زبانی نتایج زیر را نشان می‌دهد:

با توجه به تحقیقات انجام شده در مرز تکواژ دو نوع همگونی کامل و ناقص اتفاق می‌افتد. استفاده از وند منفی ساز به دلیل اینکه قبل از شناسه شخص با توجه به واکه شناسه شخص افراشته می‌شود.

عملکرد واکه‌ها به طور کل تمایل به سمت افتادگی در پایان تکواژ دارند.

منابع

- جم، بشیر، (۱۳۹۵)، (فرهنگ توصیفی، فرایندهای واجی)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- رنگین کمان، فرانک، (۱۳۸۸) «بررسی واج شناختی زبان ترکی گونه زنجان»، مجله علم و فناوری شماره ۲۱.
- عطاری، لطیف، (۱۳۶۳/۱۳۸۷)، (زبان شناسی عملی، راهنمای بررسی گویشها) تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- علائی، بهلول، (۱۳۹۲)، «بررسی فرایند هماهنگی واکه‌ای در زبان ترکی آذری منطقه مغان از دیدگاه واج‌شناسی خودواحد»، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، شماره ۱، صص ۳۱-۴۸.
- قره آقاجلو، سعید، (۱۳۸۸)، «اشتراک‌ها و اختلاف‌های زبان فارسی و ترکی آذربایجانی»، فصلنامه ادبیات فارسی، شماره ۱۳.
- کامبوزیا، عالیه کرد زعفرانلو، (۱۳۸۵/۱۳۹۳)، (واج شناسی، رویکردهای قاعده بنیاد) تهران، سمت.
- محمودی، سولماز، (۱۳۹۵)، «فرایندهای واجی رسایی بنیاد در زبانهای ترکی»، ماهنامه جستارهای زبانی. شماره ۵.
- منصف، ماهرخ، (۱۳۹۴)، «برخی از فرایندهای واجی در ترکی قشقایی»، فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین. شماره ۱۰.

Kenstowicz, Michael (1994). Phonology in Generative Grammar. Oxford: Blackwell.